

بازگشت دل یا سرمایه؟

نگاهی تحلیلی به سیاست‌های تازه ایران درباره ایرانیان خارج از کشور



شهرار عبدالحسین‌زاده

پژوهشگر جامعه‌شناسی سیاسی

در روزهای اخیر، مجلس شورای اسلامی با سرعتی کم‌بایقه به بررسی و تصویب بخش‌هایی از لایحه جامع «حمایت از ایرانیان خارج از کشور» پرداخت؛ لایحه‌ای که از حدود دوده دهه پیش، بارها مطرح و معلق شده بود. مصوبات تازه، از جمله تصویب ماده ۲ درباره تسهیل سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج، و مواد ۷ تا ۱۰ که بر حمایت حقوقی، آموزش فرهنگی، و شفاف‌سازی وضعیت تردد به داخل کشور تأکید دارد، همگی در راستای هدفی قدیمی اما پرچالش تعریف شده‌اند: بازگرداندن ظرفیت‌های انسانی، علمی و اقتصادی دیاسپورا ایرانی به اقتصاد ملی و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی.

▼ دیاسپورای ایرانی؛ از امید به پیوند تا تجربه گسست

ایران از اوایل دهه ۱۳۸۰ به‌طور جدی‌تری مسئله ارتباط با ایرانیان خارج از کشور را وارد دستور کار کرد. تأسیس «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» در دولت اصلاحات، و سپس تقویت آن در دولت احمدی‌نژاد، تلاشی بود برای هم‌زمان مهار نارضایتی سیاسی دیاسپورا و بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی و دانشگاهی آنها. با این حال، تحولات پس از انتخابات ۸۸، تشدید برخوردهای امنیتی با دوتابعیتی‌ها، و پرونده‌های جنجالی از جمله بازداشت دکتر کاووس سیدامامی یا نازنین زاغری، سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی در میان ایرانیان خارج از کشور را به‌شدت کاهش داد. درواقع، از نظر بسیاری از کنشگران دیاسپورا، دولت ایران نه‌تنها حامی آنان نیست، بلکه در مواردی تهدیدی برای امنیت شخصی و خانوادگی‌شان محسوب می‌شود. بر اساس گزارش مرکز آمار آمریکا، بیش از ۵۰۰ هزار ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند که میانگین سطح تحصیلات، درآمد و مشارکت اقتصادی‌شان بسیار بالاتر از متوسط آمریکایی‌هاست. برآوردهای مختلف نیز شمار کل ایرانیان خارج از کشور را بین ۴ تا ۶ میلیون نفر تخمین می‌زند. مطالعات انجام‌شده توسط پژوهشگران دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که بیش از ۷۵ درصد ایرانیان مقیم خارج از کشور، اعتماد لازم برای سرمایه‌گذاری با بازگشت دائم به ایران را ندارند، اما در عین حال، علاقه‌مند به حفظ پیوندهای فرهنگی و خانوادگی با ایران هستند. این وضعیت دوسویه، هم فرصت است و هم چالش.

در چنین زمینه‌ای، لایحه جدید می‌کوشد تصویر دیگری از نظام سیاسی ایران به دیاسپورا ارائه دهد؛ تصویری که در آن حقوق فردی، امکان رفت‌وآمد بدون دغدغه، مشارکت در برنامه‌های فرهنگی، و از همه مهم‌تر سرمایه‌گذاری امن، تضمین شده باشد. اما پرسش اساسی این جاست: آیا چنین تضمین‌هایی نتیجه می‌دهد؟ تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که جذب دیاسپورا، پیش‌شرط‌هایی فراتر از تصویب قانون و راه‌اندازی سامانه دارد. برای مثال، هندوستان از اوایل دهه ۲۰۰۰ توانست با ارائه تسهیلات واقعی، اعتمادسازی سیاسی، و مصون‌سازی اتباعش از برخوردهای امنیتی، سرمایه‌گذاری هندی‌های خارج از کشور را به‌طور جدی به اقتصاد ملی گره بزند. حتی چین، با تمام محدودیت‌های داخلی‌اش، موفق شد با فراهم‌سازی بسترهای علمی و

اقتصادی جذاب، مهاجران چینی را به بازگشت تشویق کند. در مقابل، کشورهایی که سیاست‌های دوگانه در برخورد با مهاجران خود دارند، کمتر در این مسیر موفق بوده‌اند.

▼ تضاد در کلام و عمل؛ دوگانگی نظام در مواجهه با دوتابعیتی‌ها

سابقه برخورد نظام جمهوری اسلامی با دوتابعیتی‌ها، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری دیدگاه دیاسپورای ایرانی نسبت به نیت واقعی حاکمیت است. صدور احکام سنگین برای پژوهشگران یا فعالان مدنی دارای تابعیت مضاعف، و همچنین ممانعت از خروج برخی چهره‌های فرهنگی و دانشگاهی، پیام‌هایی متناقض به دیاسپورا ارسال کرده است. این تضاد میان وعده‌های تسهیل‌گرایانه با واقعیت‌های امنیتی، می‌تواند تأثیر مصوبات اخیر را خنثی کند. نکته مهم دیگر، درک دیاسپورا از مشروعیت سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی است. مطالعات انجام‌شده توسط مؤسسه گالوپ در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که اکثریت ایرانیان خارج‌نشین، به‌ویژه نسل دوم و سوم، تمایلاتی دموکراتیک و فاصله‌گرفته از روایت رسمی جمهوری اسلامی دارند. این فاصله، به‌ویژه پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و خیزش ۱۴۰۱ افزایش یافته است. به‌عبارتی، تا زمانی که تضاد ارزشی و هویتی میان دیاسپورا و جمهوری اسلامی حل نشده باقی بماند، تلاش برای جذب بازگشت دل یا سرمایه، فرجامی محدود خواهد داشت. بررسی اظهارات مقامات رسمی جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که سیاست نسبت به دیاسپورا، ترکیبی از تردید، تهدید و تلاش برای جذب بوده است. از یک‌سو، برخی چهره‌ها مانند سیدمحمد خاتمی و ظریف بر ضرورت گفت‌وگوی فرهنگی و استفاده از ظرفیت علمی ایرانیان خارج‌نشین تأکید کرده‌اند، و از سوی دیگر، دستگاه‌های امنیتی با نگاهی شکاکانه و امنیتی، بسیاری از این افراد را در مظان اتهام جاسوسی یا نفوذ قرار داده‌اند. این دوگانگی، ریشه اصلی بی‌اعتمادی دیاسپورا نسبت به سیاست‌های جذب جمهوری اسلامی است. هم‌زمان، شرایط معیشتی داخل ایران و تنگناهای فزاینده‌ای چون قطع برق، محدودیت‌های اینترنت، بحران آب، و نرخ بالای مهاجرت نخبگان نیز سیگنال‌هایی منفی برای تصمیم بازگشت یا سرمایه‌گذاری به دیاسپورا ارسال می‌کنند. چگونه می‌توان به بازگشت دعوت کرد، وقتی کشور در حال تجربه خروج گسترده سرمایه انسانی است؟ در چنین شرایطی، نه‌تنها دیاسپورا به ایران باز نمی‌گردد، بلکه بسیاری از شهروندان داخل نیز در جست‌وجوی راهی برای خروج هستند. این شکاف عمیق، تنها با صدور مصوبات جدید پر نمی‌شود. بازسازی اعتماد، نیازمند تغییری ریشه‌ای در نگاه نظام به مفهوم «تابعیت»، «انتقاد» و «مشارکت» است. تا زمانی که دوتابعیتی بودن تهدید تلقی شود و دیاسپورا به‌جای بازوهای ملی، در مظان اتهام و کنترل قرار گیرند، بازگشت سرمایه انسانی یا اقتصادی تنها روی کاغذ باقی می‌ماند. دیاسپورا به تغییر نگاه نیاز دارد، نه صرفاً به تصویب ماده و تبصره. اگر هدف، امنیت ملی و انسجام اجتماعی است، راه آن از مشارکت فراگیر و احترام به تفاوت‌ها می‌گذرد؛ نه از نگاه امنیتی و کنترل‌گرایانه به شهروندانی که، اگر چه دور از مرزهای جغرافیایی‌اند، اما هنوز دل در گرو ایران دارند. این آزمونی‌ست برای حاکمیت: آزمونی که پاسخ آن، نه در شعار، که در تغییر رفتار خواهد بود. بازگرداندن دیاسپورا تنها زمانی ممکن است که ایران نه‌تنها خانه‌ای برای ماندن، بلکه افقی برای رشد و آزادی باشد.



تغیس: Reuters

جلسه مهم دولت لبنان تشکیل شد

حزب‌الله خلع سلاح می‌شود؟

شروع به انجام این کار از سوی دولت، تجمع‌هایی از سوی حامیان حزب‌الله به خصوص در جنوب بیروت برگزار شده است. منابع لبنانی خبر دادند ارتش این کشور در جریان برگزاری جلسه کابینه که با حضور ژنرال جوزف عون، رئیس‌جمهور و نواف سلام، نخست‌وزیر همراه بود، سطح حفاظت و تدابیر امنیتی از مقر دولت را افزایش دادند و ورودی‌های کاخ ریاست‌جمهوری را مسدود کردند. این اقدامات پیشگیرانه از دوشنبه آغاز شده بود.

▼ فشار آمریکا

ایالات متحده آمریکا برای خلع سلاح لبنان، فشار زیادی به دولت این کشور وارد می‌کند. اخیراً تام باراک، فرستاده ویژه ترامپ در سوریه سه سفر به لبنان داشت که حواشی مختلفی ایجاد کرد. در نهایت گفته می‌شود که دولت آمریکا طرحی به لبنان ارائه داده است که اولین شرط برای هرگونه اقدامات آتی مانند توقف تجاوزات اسرائیل و حل اختلافات مرزی را منوط به برآورده شدن نخستین شرط کرده است: «خلع سلاح مقاومت.»

روزنامه‌ال‌اخبار در این باره نوشت: «فشار خارجی به‌ویژه از سوی آمریکا و عربستان سعودی بر فضای رسانه‌ای و سیاسی لبنان سایه افکنده است، درحالی‌که تلاش‌های‌رای فائق‌تر اح‌حل‌های میانه‌همچنان ادامه‌دارد. حزب‌الله و جنبش امل در دیدارهایی غیرعلنی با رئیس‌جمهور ونخست‌وزیر، مخالفت خود را با اعمال جدول زمانی و پذیرش اولویت‌بندی آمریکا ابراز داشته‌اند. گزینه‌های جایگزین در حال بررسی‌اند؛ از جمله ارجاع پرونده به شورای عالی دفاع یا تشکیل کمیته‌ای نظامی برای تنظیم جدول عملیاتی. اما نگرانی از آن است که این سناریوها در عمل به فشاری زمان‌مند و تصمیمی تحمیلی بر نیروهای مقاومت منتهی شوند. در این میان، نیروهای مخالف حزب‌الله، از جمله «قوات» و «کتاب»، از طرح آمریکا حمایت می‌کنند و بر تصویب فوری جدول زمانی برای خلع سلاح پافشاری دارند.»



عراقچی و صداوسیما از ماجرای جنگ تا امروز

و دلیل اصلی را اینگونه اعلام کرد: «اتنها دلیل پخش نشدن قسمت دوم برنامه «ماجرای جنگ»- که توسط حوزه هنری تولید شده است- عدم انجام اصلاحات لازم در بخش‌هایی از این قسمت- بر اساس دستور و تأکید صریح دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بوده است. این دبیرخانه اصلاح یا حذف بخش‌هایی از برنامه را برای پخش از صداوسیما الزامی دانسته بود. با وجود اعلام رسمی این موارد به گروه تولید، اصلاحات مورد نظر انجام نشد و در نتیجه، شرایط لازم برای پخش این قسمت از برنامه در رسانه ملی فراهم نشد.» صداوسیما همچنین اعلام کرد برخی عناصر فضای مجازی با استناد به بخش‌هایی از این مصاحبه، حملاتی به رئیس سازمان صداوسیما انجام دادند که علیه آن‌ها شکایت شده است. اشاره صداوسیما به بخشی از صحبت‌های عراقچی درباره برخورد شهید سپهبد محمد باقری با یکی از مدیران کشور در جریان تعویق عملیات وعده صادق ۲ است که برخی آن را متوجه پیمان جبلی، رئیس صداوسیما دانسته بودند. اسماعیل باقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست سخنگویی این هفته، در پاسخ به سوال سایت فارو راجع به عدم پخش مصاحبه وزیر خارجه از صداوسیما گفت: «فارغ از این مورد خاص که ما نیز صادقانه بگویم که خیلی علاقه‌مند به چنین استثنایی نبودیم، فکر می‌کنم رابطه میان وزارت امور خارجه و سازمان صداوسیما، رابطه‌ای بسیار خوب و سازنده است. ما قادران زحمات دوستان مان در صداوسیما هستیم و همکاری‌های بسیار نزدیکی در طول سالیان

گروه خبر: وزیر امور خارجه کشورمان صبح دیروز در آستانه روز خبرنگار به صداوسیما رفت. سیدعباس عراقچی ضمن شرکت در جلسه شورای معاونین صداوسیما، از ساختمان شیشه‌ای که به عنوان نماد این سازمان شناخته می‌شود نیز بازدید کرد که در جریان جنگ ۱۲ روزه مورد تهاجم رژیم اسرائیل قرار گرفته بود. این حضور از یک جهت دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. چراکه هفته گذشته سازمان صداوسیما اجازه پخش مصاحبه وزیر خارجه را نداد. این اتفاق یک بار دیگر در دوران وزارت محمد جواد ظریف نیز تکرار شده بود. صداوسیما، وزارت امور خارجه و مجری برنامه ماجرای جنگ که اجازه پخش آن داده نشد، هر کدام توضیحاتی درباره این موضوع دادند.

▼ سه روایت ماجرای جنگ

پخش نشدن مصاحبه ضعیی و نه زنده وزیر امور خارجه از رسانه عمومی کشور، حساسیت‌های زیادی به وجود آورد. کاربران شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها زمانی که این مصاحبه روی بستر یوتیوب و همچنین کانال تلگرامی وزیر و سخنگوی امور خارجه منتشر شد، حتی توجه بیشتری به این موضوع نشان دادند. با اعلام خبر توقف تولید این برنامه از سوی جواد موگویی، مجری ماجرای جنگ این سوالات وارد مرحله دیگری شد. پس از آن سه روایت از سه طرف ماجرا ارائه شد. روابط عمومی صداوسیما در بیانیه‌ای طولانی به این موضوع پرداخت